



گزارشی از محفل بررسی زبان و ادبیات علامه فیض محمد کاتب هزاره

ملا فیض محمد کاتب هزاره تاریخ‌نگاری که با نگارش کتاب‌های مختلفی چون سراج التواریخ، تذکره انقلاب و ... توانسته حوادث و رویدادهای تاریخی زمان خودش را بازگو کند؛ اما در این بین آن‌گونه بایسته و شایسته آثار وی چاپ و نشر نشده است و آن‌گونه که مورد پسند است آثار کاتب هزاره ارزیابی و بررسی نشده است. آن دسته از آثار کاتب که از زیر تیغ سانسور جان سالم به دربرده‌اند به‌طور پراکنده این‌جا و آن‌جا توسط ناشرین مختلف با توجه به ذائقه و طبع‌شان به چاپ رسیده است که از جمله می‌توان به چاپ جلد چهارم سراج التواریخ نام برد که با تحشیه و تعلیقه دکتر محمد سرور مولایی چاپ شده است.

ندارند، تعصب و عناد برادران اهل سنت خود را نسبت به مذهب خویش بیش از پیش به روی روز آورده و اخبار و احادیث و روایاتی را که باعث مورت تمدن و اجتماع و اتفاق و بیضه اسلامند بر زیر منبر ذکر نمی کنند و از حالات و پیشامدهای کنونی عالم آگاه نیستند. امر به معروف و نهی از منکر را بر سبیلی که باید بنمایند، نمی توانند. پس همچنان که خود ایشان ملانمایند، اهل مجلس را اسلام‌نما ساخته و می سازند؛ و همت و سعی خود را بر مسائلی که در اجتماع و گردآمدن مردم بر ایشان مدخلیت بیشتر دارد صرف کرده و از دیگر فنون که اعظم ارکان دین می باشد، از قبیل اصول دین و معارف الهیه و معادیه و معرفت که دنیا و آخرت که داد سفر و حزر ایشان است و علم تفسیر و حدیث و تأویل و علم اخلاق و ترکیه و تربیه نفوس و مجاهدت و محاربت با شیطان اعراض می نمایند و به واسطه لباس و صورت علم با مردم و با یکدیگر در منازعه و مناقشه می گریند و بر یکدیگر افتراحت بسته و تفکیر همدیگر می کنند. نقل محافل و میوه مجالس ایشان غیبت و اظهار نمودن فضیلت و مفاخره و اظهار عظمت است و ...»

سپس علی امیری سه متن فارسی را در سه مقطع تاریخی برای نمونه خواند و سپس گفت: می خواهم این نتیجه را بگیرم که آن اتفاقی که بخصوص از قرن هشتم به بعد آمد؛ یعنی انقطاعی که صورت گرفت، به نظرم با کوشش های فیض محمد کاتب این انقطاع و گسست بار دیگر به پیوست انجامید. زبان فارسی با بعضی چیزها بیگانه است. فقط در مورد ادبیات باید یک سلف و خلفی در کار باشد. به عنوان مثال وقتی مولانا خود را سلف عطار و سنایی می گوید و یا وقتی ملاصدرا از شعر فارسی فردوسی در اسفار نقل می کند و تعبیر فردوسی قدوسی را بکار می برد. باید یک پیوستگی در ادبیات باشد. به عنوان مثال در نثر؛ اما در گلستان سعدی چنین چیزی وجود ندارد؛ اما به نظر من در نظم یک پیوستگی وجود دارد و این سبب وحدت این زبان شده است. در نهایت وقتی ما از کاتب و زبان فارسی صحبت می کنیم. این به آن معنا است که کاتب زبان فارسی را با تاریخ آشتی می دهد.

سخنران بعدی برنامه داکتر محمدسرور مولایی استاد دانشگاه در دانشگاه های ایران بود کسی که بر جلد چهارم سراج التواریخ تحشیه و تعلیقه نوشته است. داکتر مولایی در بخش های از سخنانش گفت: آن میراث تصنع و تکلف و نثر فنی از قرن چهارم، پنجم، ششم و هفتم به بعد بسته و گریخته تا دوره زندگانی کاتب در محافل درباری و مراکز قدرت افغانستان وجود دارد. ولی نه آن جلالت را دارد. نه آن دانش ادبی را دارد. نه آن توانایی در آن هست، فقط یک سرمشق از پیشینیان است که بسیار شکسته و ناقص و معیوب عرضه می شود. من سه سالی که در وزارت تحصیلات عالی افغانستان کار کردم، یک بار نامه ای از دفتر ریاست جمهوری آمده بود. من که استاد زبان فارسی هستم، نمی دانستم که منظور رئیس جمهور در آن نامه چه چیزی است. کلیشه های دوره عبدالرحمان هنوز در مکاتبات اداری ما رایج است. این یک بدبختی است. زبان در جامعه پویا و زنده است و کلی نوآوری دارد اما این مسئله در دستگاه های اداری ما راه پیدا نکرده است.

در ادامه داکتر مولایی درباره نثر و زبان ملا فیض محمد کاتب هزاره

به مناسبت رونمایی چاپ دوم جلد چهارم کتاب سراج التواریخ برنامه ای به نام «نقد و بررسی زبان و ادبیات، جلد چهارم کتاب سراج التواریخ» به تاریخ ۱۳۹۵/۸/۲۰ در سالن دانشگاه در کابل با حضور علاقه مندان مسائیل تاریخی، پژوهشی و همچنین استادان و دانشجویان و نویسندگان برگزار شد که در آن برنامه داکتر محمدسرور مولایی استاد دانشگاه و علی امیری مسئول انتشارات دانشگاه ابن سینا کتاب مذکور را از زوایای مختلف مورد بررسی و تفحص قرار دادند.

اولین سخنران این برنامه علی امیری بود. وی سخنرانی خود را با عنوان «کاتب، زبان فارسی و تاریخ نویسی» ایراد کرد. وی با اشاره به این که کلام یک امر امکانی و یک امر بالقوه است. این که کلام به فعل تبدیل می شود، متکلم است که سخن را به امر بالفعل تبدیل می کند. زبان فارسی را شما اگر به عنوان یک کلام در طول تاریخ در نظر بگیرید، می بینید که گاهی وقت ها پیشرفت کرده است و گاهی وقت ها هم از حرکت باز ایستاده است، در مورد ملا فیض محمد کاتب گفت: به نظر من کار کاتب به سهم خود در یک ناحیه ای از جغرافیای زبان فارسی، آشتی دادن تاریخ با زبان فارسی است. تعهدی را که قرار است یک متکلم در زبان از خود نشان دهد را نشان می دهد. کاتب تلاش می کند زبانی را که مدت چندین قرن با تاریخ گسسته است را دوباره پیوند دهد. او کسی است که این پیوند را دوباره برقرار می کند. فکر می کنم وقتی ما از زبان فارسی کاتب و تاریخ نویسی آن صحبت می کنیم، مهم ترین رویداد این است که او موفق می شود آن رشته گسسته را بار دیگر تجدید کند و پیوندی میان زبان فارسی و تاریخ نویسی ایجاد کند.

علی امیری در قسمت دیگر از سخنانش در مورد کار کاتب گفت: کار کاتب کاری است که با کوشش های جان فرسا، با عشق و با تعهد صمیمانه بین زبان فارسی و تاریخ پیوندی ایجاد کرده است. به نظر من این مهم است. من یک متن از کاتب هم انتخاب کرده ام تا شما بتوانید اهمیت کار کاتب را بهتر درک کنید. این متن از سراج التواریخ جلد چهارم انتخاب شده است، تصحیح استاد مولایی صفحه ۴۴۱، بخش سوم کتاب. این قسمت شرح حال روضه خوانان کابل است. «و چون پس از ترمرد و طغیان مردم هزاره، حکم و کفر بر مردم شیعه افغانستان از پیشگاه عمارت و فتوای علما صادر گردید، هزاران جلد کتاب اخلاقیه و فقهیه و احادیث و تواریخ مذهب امامیه در معرض خرق و حرق و غرق و زرق رفته و حسینه ها، مسجدها و روضه خوانی و به زیارت کربلا و مشهد رفتن عموم شیعیان افغانستان قدغن گشت. بعضی به مثابه میرزا محمدیوسف خان به حج به کربلا و مشهد همی رفتند و این امر از اتحاد و اتفاق اسلام خواهی امیر امان الله خان غازی از میان برداشته شده و روضه خوانی و زیارت رفتن بروی شیعیان مفتوح گردیده و قرار ثابت آزاد و ارشاد گردیده اند. لکن از عدم علم و دانش روضه خوانان که از فهم و فراست عاری و فهم مدرک

داکتر مولایی کاتب را کسی می داند که زبان و نثر فارسی / دری را آسیب شناسی و نقد کرده است. وی در این باره گفت: کاتب نگرانی بسیار جالبی دارد و معتقد است که جوانان و آیندگان باید از شر این نثر (اشاره به نثر رایج در دوران خودش) رها پیدا کنند.

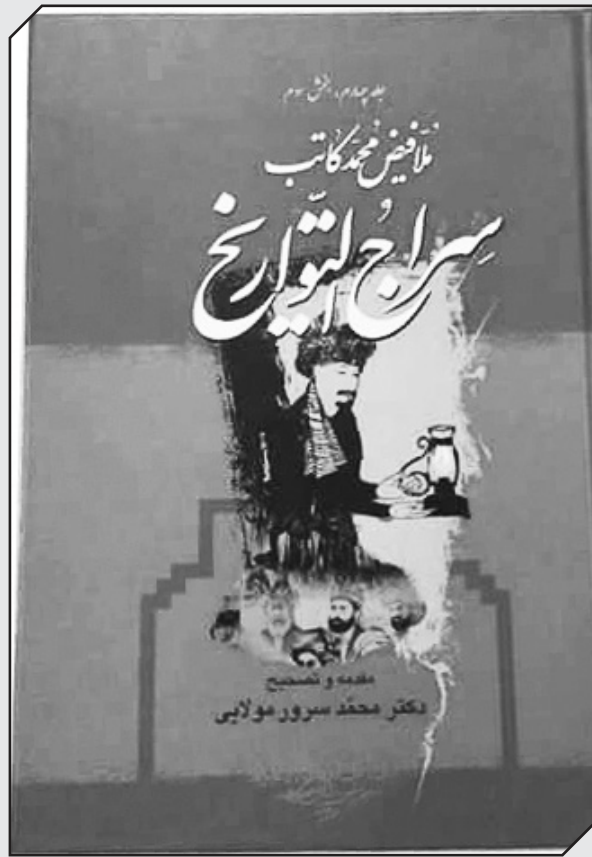


داکتر مولایی کاتب را کسی می‌داند که زبان و نثر فارسی / دری را آسیب‌شناسی و نقد کرده است. وی در این باره گفت: کاتب نگرانی بسیار جالبی دارد و معتقد است که جوانان و آیندگان باید از شر این نثر (اشاره به نثر رایج در دوران خودش) رها پیدا کنند. کاتب کسی بود که آسیب‌شناسی و نقد کرده بود نثر دوران خودش را. نثر او از جهات گوناگون نگارش، انشاء، بلاغت، فصاحت، رعایت مقتضای حال، انتخاب مناسب‌ترین زبان برای بیان حقایق تاریخی، هم‌چنین رعایت موازنه بسیار زیبا میان لفظ و معنا قابل‌بحث و تأمل است. از زیبایی‌های نثر کاتب توازن و تعامل میان لفظ و معنا است که در نثر کاتب کاملاً رعایت شده است. کاتب با تمام متن‌های تاریخی قبل از خود آشنا بوده است.

داکتر مولایی در بخش‌های دیگر سخنانش با اشاره به جلد چهارم سراج‌التواریخ گفت: اگر شما هر چهار جلد سراج‌التواریخ را بخوانید، خواهید دید که کاتب منابع خود را در نوشتن معرفی می‌کند. جاهایی وجود دارد در سراج‌التواریخ که نظر مورخان پیشین را با دلیل و استدلال تعدیل و حتی رد می‌کند. این‌ها محصول اندیشه، دقت و تأمل در کار کاتب است. اگر کاتب آن مبانی و مقدمات را نمی‌دانست و یا آن آسیب‌شناسی را درک نمی‌کرد، به آن درجه از تشخیص نمی‌رسید که این نثر قابل ادامه دادن نیست و باید فکری به حال تجدید زبان کرد. باید نوسازی کرد در زبان فارسی؛ و خوب شد که کاتب نپذیرفت فرمان حبیب‌الله خان را که سراج‌الخبار را سردبیری کند. می‌دانید که اولین پیشنهاد مدیریت سراج‌الخبار از طرف حبیب‌الله خان به کاتب و مولوی عبدالرئوف بوده است. شاید هم من اشتباه می‌کنم شاید اگر مدیریت سراج‌الخبار را می‌پذیرفت الآن زبان ما به مراتب بهتر از آنچه که هست می‌بود. کاتب کسی بود که حرف برای گفتن بسیار داشت، اما یک چیز را انتخاب کرد که مستمر و پیوسته با مردم بود.

گفت: مکاتبات اداری به زبانی ساده و راحت در حال انجام شدن است. هیچ‌کس در صد و پنجاه سال پیش در این کشور که زبان فارسی، زبان دادوستد و فرمان، نوشتار و گفتار و حتی مطبوعات بود، متوجه این نقص در زبان فارسی نشد جز علامه بزرگوار فیض‌محمد کاتب هزاره. شعار نیست آنچه را که کاتب می‌گوید. بیشتر از بیست جای کاتب به وضوح و روشنی می‌گوید که بداد انشاء و زبان فارسی باید رسید. قواعد درست نوشتن و قواعد زبان فارسی را باید آموخت. من احساس می‌کنم که کاتب با مغز جانش این کاستی را در دستگاه دیوانی کشور احساس می‌کرد؛ اما تهمت دیگران و مخالفت همکارانش هرگز نهراسید. بلکه حقایق تلخ را با قلم شیوای خودش بیان کرد. او حتی در این میدان نیز در میان همکارانش پیش‌آهنگ است. ما این مسئله باید در ذهنمان اصلاح کنیم. ما در تاریخ ادبیاتی که در صد سال اخیر در باب زبان فارسی نوشته شده است، پیش‌آهنگ تجدد در زبان فارسی را استاد محمود طرزی می‌شناسیم. به نظر من جا دارد که کاتب در کنار طرزی باید قرار بگیرد و حتی باید مقدم بر او مطرح شود.

سپس داکتر مولایی در مورد ویژگی‌ها و زبان علامه فیض‌محمد کاتب اشاره کرد و گفت: هم‌چنین باید درست شناخته شود که تأثیر کدام یک از آن‌ها ماندگارتر بوده است. امروز همه ما به آموختن از کاتب، به شگردهای زبانی او و به دانش او احتیاج داریم. نثر کاتب، نثر زنده زمانه خودش است و شبیه نثر دیگران نیست. چند خصوصیت در نثر کاتب وجود دارد: در ابتدا بگویم که فردوسی دو کار اساسی را در شاهنامه انجام داد، اولی این که امانت دقیقی را نگه داشت، یعنی هزار بیتی را که دقیقی گفته بود حفظ کرد. دوم ما را در متن تحول شعر حماسی قرار داد؛ یعنی اگر ما متن دقیقی را نداشته باشیم نمی‌فهمیم که فردوسی چه کاری انجام داده است. یا قبل از او شاهنامه‌های دیگر چه بوده است. کاتب هم دقیقاً همین کار را به شکلی دیگر انجام داده است؛ یعنی الگو بود.



و با عمق جان اظهار شادمانی کند که فرزندان مملکت از شر انشای منشیان نجات پیدا کردند؛ و این نجات را در مکاتب جدید افغانستان جستجو می‌کرد. کاتب با شور و شوق از دروس انشای مکاتب آن زمان خبر می‌گرفت. مطلع هستید که مکاتب در زمان امیر امان‌الله خان یک پدیده فراگیر بود. به همین دلیل است که با افتخار به منشیان می‌گوید که بیاید و فارسی نوشتن را از بچه‌های مکاتب یاد بگیرد. این پدیده‌ای بود کاتب از ابتدای آغاز آن تا پایان عمرش از آن غافل نشد.

داکتر مولایی در ادامه سخنانی خود به وضعیت زمان کاتب اشاره کرده می‌گوید: کاتب در درباری، در خدمت حاکمانی قلم می‌زد و تاریخ افغانستان را می‌نوشت که در تنگنای عجیبی قرار داشت؛ یعنی سانسور وجود داشت، چهار نفر که خود کاتب هم نام آن‌ها را ذکر کرده است بر او نظارت داشت، هم‌چنین در فضایی این تاریخ را نوشته است که حکومت وقت به دنبال قرائت خاصی از تاریخ بود. شما اگر در شرایط کاتب بودید یعنی در وضعیتی که قومتان کشته، اسیر، برده، تجاوز و در نهایت فروخته می‌شود و یا دیگر اقوام در کشورتان در بدر می‌شوند قرار بود تاریخ بنویسید قلمتان شما را یاری می‌کرد؟ کاتب کسی بود که طرح خوبی داشت و یا به عبارتی رسالت داشت. یک موقعیت داشت که نمی‌توانست آن موقعیت را از دست بدهد. کاتب کسی بود که حرف خودش را تحت همان شرایط سانسور دربار و نظارت درباریان و ... زد. طوری که همان‌هایی که وظیفه نظارت بر او را داشتند هم متوجه نشدند که او چه پیامی را منتقل کرده و چطور با ظرافت و دقت خاصی حقایق تاریخی را با زبانی شیوا بیان کرده است. این در صورتی بود که امیر حبیب‌الله خان آدم درس خوانده‌ای بود. متن فارسی را خوب می‌شناخت، شعر را بسیار خوب می‌فهمید. کاتب در چنین شرایطی ما را با تاریخ و زبان آشتی داد. نثر کاتب به سبب بیان تاریخی، نثری است که در داخل پیام که او می‌دهد، انواع جملات دیگر در اصل متن جمله وجود دارد. به این معنی که جمله تمام نمی‌شود که داخل جمله باز شکافته می‌شود و یک جمله دیگر می‌آید. هیچ‌کدام این‌ها در مجموعه جملات طولانی کاتب بی‌حکمت و پیام نیست. ما باید مهارت این را داشته باشیم که شیوه بیان کاتب را بشناسیم و پیام او را از دل این جملات دریابیم. در عین حال همه این جملات معترضه در جای خود نقد و داوری هم راجع در باب موضوعی است.

استاد مولایی در ختم سخنرانی خودش در مورد ملا فیض محمد کاتب هزاره گفت: کاتب فقط گزارشگر وقایع نیست، کاتب هر خواننده‌ای را هزار سال پس از خودش به داوری می‌کشاند. ابزار داوری را هم در اختیار ما قرار می‌دهد. نظر خودش را هم به ما می‌گوید؛ و ما را هم آزاد می‌گذارد که نظرش را بپذیریم یا نه! ولی غالباً آنچه را که می‌گوید قابل رد کردن نیست.

برنامه رونمایی دومین بازچاپ جلد چهارم سراج التواریخ فرصت مناسبی بود که نثر و زبان ملا فیض محمد کاتب از نظر فنی مورد بررسی قرار گرفت. جا دارد که کاتب شناسان و زبان شناسان و پژوهشگران آثار کاتب هزاره از زوایای مختلف مورد نقد و بررسی قرار بدهند؛ زیرا آثار کاتب این ظرفیت را دارد که یک دوره تاریخی افغانستان را از منظرگاه‌ها و زوایای مختلف به خوبی نشان بدهد. اداره نشریه

کاتب از این که مورخان پیشین حقیقت را کتمان می‌کنند ناراحت بود. به همین دلیل فرصت را در جایی غیر از سراج الاخبار جستجو کرد. جایی که بتواند آن حقیقت تاریخ را به زبان ادبی، هنری خودش بیان کند. نتیجه این بخش از صحبت‌ها این می‌شود که شما هم اگر میراث گذشته خود را شناسید و آثار بزرگان خود را نخوانید، تولیدات شما عمر چندانی نخواهد کرد. کاتب کسی بود که گذشته خود را می‌شناخت و این ویژگی به او توانایی نقد و تعدیل را داده بود. نثر صد سال پیش ویژگی‌ها خاص خودش را دارد اما در زبان کاتب اغراق و مسائلی که در آن زمان در زبان رایج بود وجود ندارد. کاتب حکمت، فلسفه، تفسیر قرآن، منطق، فقه و ... را می‌دانست و در جای خودش از تمام این ابزارها برای غنای زبانی خودش به صورت درست نیز استفاده کرده است. یکی از نکات دیگری که در باب نثر فارسی و تجددطلبی کاتب با استناد به گفته خود کاتب می‌شود یادآوری کرد این است که وقتی که کاتب نمونه‌های زیادی را در کتاب‌های خودش ذکر می‌کند، ضعف‌های آنان را نشان می‌دهد، از نمونه‌های قابل تقدیر و زیبا و خوب هم چند نمونه در کتاب خود ذکر می‌کند. این نشان‌دهنده این است که نه تنها جانب منفی قضیه را می‌بیند بلکه جانب مثبت قضیه که نثرهای قابل اقتدا بود را هم دیده است.

داکتر مولایی به ظرافت‌های دیگر کار کاتب اشاره کرده می‌گوید: کاتب دو نامه بسیار زیبا را در کتاب خود نقد کرده است. یکی از این نامه‌های خوب مربوط به پدر محمود طرزی، میرزا غلام محمد طرزی است. من در صد سال پیش ندیدم کسی را که این قدر با شوق و ذوق

ادبیات



- کتاب‌شناسی بیدل در افغانستان / محمود جعفری / ۹۴
- این سال‌ها / مروری بر شعر معاصر افغانستان / محمد اصف جوادی / ۱۰۳
- تحلیل آکوستیکی نظام واکه‌ای زبان فارسی دری / اعظم اسدی / ۱۱۰
- جنگ در ترانه‌های فولکلوریک مردم هزاره / دین محمد جاوید / ۱۱۵
- روح رفته رودخانه‌ها / خوانش شعر «خرده‌های تاریکی»؛ سروده گروس عبدالملکیان / ادریس بختیاری / ۱۲۰
- ای صدای تو استامینوفن / زهرا حسین زاده / ۱۲۶
- جهان رمان‌های رهنورد زریاب / حسین فخری / ۱۳۰
- شعر معاصر افغانستان / ۱۴۰
- شعر معاصر ایران / ۱۵۲
- شعر معاصر تاجیکستان / ۱۵۷
- اگر / باهر بیانی / ۱۶۰
- جزء سوم / زهرا زمانی / ۱۶۷
- فرمان نویس / فیلیس آلتمین / برگردان: نجیبه زرتشت / ۱۶۹